

## تضمین حقوق متهم در قوانین جزایی ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۶/۱۵)

### مسلم مستقیمی

### چکیده

تحقیقات مقدماتی مرحله حساس دادرسی کیفری است. اقدامات قضات تحقیق و ضابطان دادگستری در موارد خاص، در این مرحله همانند مراحل کشف جرم، تعقیب متهم و دادرسی به معنی اخص باید متضمن حفظ حقوق و آزادی های اساسی متهمان، ترمیم خسارات بزه دیدگان و تأمین نظم عمومی و منافع اجتماع باشد. با این همه تأمین حفظ حقوق فردی و اجتماعی مزبور به طور توأمان در این مرحله از دادرسی از پیچیدگی و ظرافت خاص بیشتری برخوردار است. زیرا از یک سو ضرورت حفظ نظم عمومی و منافع اجتماعی و ترمیم خسارت بزه دیدگان ایجاب می کند که به سرعت آثار و قرائن و دلایل ارتکاب جرم حفظ و جمع آوری شده و از فرار یا مخفی شدن متهمان جلوگیری شود و از سوی دیگر همواره نگرانی و بیم این امر وجود داشته است که در اثنای انجام اقدامات سریع مزبور دقت و احتیاط فدای تعجیل در ضرورت تسریع انجام تحقیقات شود و اشخاص شرافتمند به ناحق تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و علیه ایشان کیفرخواست صادر شود. به همین لحاظ در تحولات نظام های دادرسی کیفری به منظور تأمین موازین حقوق بشر در اسناد بین المللی سعی وافر مبذول شده که ضمن تأمین حقوق جامعه، حقوق دفاعی اشخاص مظنون در این مرحله حفظ و توسعه یابد. در میان اقدامات متنوعی که در تحقیقات مقدماتی انجام می شود. نظر به اهمیت امر تحقیقات مقدماتی و به ویژه اقدام به بازجویی، اسناد بین المللی حقوق بشر، قوانین اساسی و نظام های عدالت کیفری مترقی کشورها، تضمینات حقوق دفاعی متهمان را در راستای حمایت از اصل برائت به عنوان میراث مشترک حقوقی کشورها، به هنگام اعمال تحقیقات پیش بینی و مقرر کرده اند. دفاع موثر متهمان و وکلای ایشان در استناد به حقوق دفاعی مزبور موجب جلوگیری از تعرض به حقوق و آزادی های اساسی آنان و صدور قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب در مرحله تحقیقات است. بنابراین تحقیق در تبیین مفهوم حقوق دفاعی متهمان و مصادیق آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** حقوق متهم، آیین دادرسی کیفری، حقوق دفاعی، تحقیقات مقدماتی،

مراحل دادرسی



## بخش اول : کلیات

همان گونه که اشاره شد، تحقیقات مقدماتی یکی از مراحل دادرسی کیفری است و در معنای وسیع به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که از زمان وقوع جرم و شناسایی متهم آغاز و با تدارک پرونده جهت محاکمه او در دادگاه و یا رفع اتهام از وی با رعایت موازین دادرسی منصفانه صورت می گیرد. لیکن در مفهوم مضیق تحقیقات مقدماتی محدود به اقدامات قاضی تحقیق و یا ضابطان دادگستری به موجب قانون و یا ارجاع قاضی مزبور به ضابطان، در جمع آوری دلایل به نفع یا ضرر متهم، در موارد مصرح قانونی، صدور قرار تأمین جهت جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او و یا امحای آثار جرم و نیز اظهار نظر راجع به بزهکاری و یا بی گناهی او است. ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ با لحاظ معنای موسع مقرر می دارد: «تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می گیرد. ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.» حمایت از حق دفاع متهم در دادرسی کیفری در حقیقت تضمین رعایت حقوق طبیعی اشخاص به ویژه حق حیات و آزادی ایشان است. حقوق مزبور با خمیرمایه شخصیت افراد با قطع نظر از اختلافات فرهنگی، اعتقادی، نژادی و مانند آن عجین شده است. بند «۱» ماده «۶» و ماده «۹» میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به جز در موارد مقرر آیین دادرسی به حکم قانون، سلب حق حیات و آزادی فردی را به عنوان مصادیق بارز حقوق طبیعی از سوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی اعم از حقوق عمومی و خصوصی ممنوع اعلام کرده است. قوانین اساسی و عادی کشورها نباید و اساساً نمی تواند چنین حقوقی را نقض و یا به روش های خلاف عقل و اصول دادرسی منصفانه محدود سازد. از این رو وظیفه قانونگذار این است که به تبع الزام حفظ حقوق طبیعی، حق دفاع متهم و آثار و لوازم و آن را به عنوان تضمین حقوق مزبور به رسمیت شناخته و مجدانه به حمایت از آنها پردازد. حمایت از حق دفاع مستلزم تصویب قوانینی بر اساس اصول دادرسی منصفانه است که ضمن احترام عمیق به آزادی بیان متهم در رسیدگی به امر کیفری، وسایل و امکانات کافی لازمه دفاع از اتهام را تدارک نماید. بازجویی یا تحقیق از متهم رکن اساسی تحقیقات جنایی است.



هدف از بازجویی کشف واقعیت مجرمانه و تشخیص اتهام صحیح از سقیم است. بنابراین حداقل یکی از هدف های مهم بازجویی رعایت حق دفاع متهم است. به نظر می رسد که با توجه به اهمیت حق دفاع متهم در اعمال بازجویی، تعریف جامع آن چنین است: «بازجویی طرح سئوالات قانونی از متهم یا مظنون به ارتکاب جرم، به منظور کشف واقعیت مجرمانه و تضمین حق دفاع است.»

### بخش دوم: تضمینات حقوق دفاعی قبل از شروع به بازجویی

با توجه به موقعیت ویژه امر تحقیق از متهم در فرآیند تحقیقات مقدماتی، برحسب اصول دادرسی منصفانه قبل از شروع بازجویی تضمینات دقیقی در حمایت از حقوق دفاعی متهمان در نظام های دادرسی کیفری پیش بینی شده است. قاضی تحقیق و یا ضابطان دادگستری به نمایندگی از سوی قاضی تحقیق و یا به مباشرت در جرایم مشهود، مکلف به رعایت تضمینات مزبور هستند. در این بخش تضمینات حقوق دفاعی متهمان قبل از شروع به بازجویی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

#### بند اول: ثبت هویت متهم

در مرحله تحقیقات مقدماتی طبق مقررات نظام دادرسی کیفری قبل از هرگونه اقدام تحقیقی، هویت متهم باید دقیقاً ثبت شود. ثبت هویت متهم معمولاً در اوراق مخصوص چاپی انجام می شود. این رویه در سایر کشورها نیز اعمال می شود. در حقوق ایران نحوه ثبت هویت متهم به شرح ماده «۱۲۹» قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است. این ماده مقرر می دارد: «قاضی ابتدا، هویت و مشخصات متهم (اسم، اسم پدر، شهرت، فامیل، سن، شغل، عیال، اولاد و تابعیت) و همچنین آدرس (شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه و شماره منزل) او را دقیقاً سؤال کرده به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می شود که... در تبصره «۱» ماده مزبور در ادامه موضوع ثبت مشخصات متهم آمده است: «قاضی در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می کند، محلی را که برای اقامت خود اعلام می کند، محل قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل اقامت جدید را به گونه ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند. در غیر این صورت احضاریه ها به محل اقامت سابق



فرستاده خواهد شد... رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم است.» در تبصره «۲» همان ماده «تخلف ماموران ابلاغ در انجام وظایف خود و یا گزارش خلاف واقع آنان در امور مربوط به وظایفشان مشمول مجازات مقرر قانونی» قلمداد شده است.

### **بند دوم: تفهیم اتهام با ذکر دلایل آن**

لازمه حمایت از حق دفاع متهم در دفع یا رد اتهام روا یا ناروایی که به او نسبت داده اند و نیز رعایت اصل برائت در این فرآیند از دادرسی، آگاهی او از موضوع اتهام و دلایل آن است. زیرا جهل نسبت به موضوع و دلایل اتهام، موجب خدشه به حقوق و آزادی های فردی و به ویژه حق دفاع و نقض اصل برائت است. طبق شق «الف» بند «۳» ماده «۱۴» میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، در نظام های حقوقی اتهام فرد با ذکر نوع و علل آن باید در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد مطرح و به آگاهی وی برسد. قانون آیین دادرسی کیفری ایران مانند مقررات دادرسی کیفری سایر کشورها از قبیل آمریکا، انگلستان و لبنان حق آگاهی تفصیلی از موضوع اتهام را به صراحت برای متهم پیش بینی کرده است. ماده «۱۲۹» در مقام بیان این حق مقرر می دارد: «قاضی... موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می کند...» بیان کلمات «صریح» و «تفهیم» در ماده مذکور بیانگر آن است که بیان اتهام با جزئیات و دلایل آن باید به گونه ای صورت گیرد که متهم کاملاً درک نماید. به عنوان مثال اگر شخصی به عنوان معاونت در اختلاس تحت تعقیب است قاضی یا ضابط دادگستری باید ضمن تبیین مفهوم اختلاس از نظر حقوقی، عمل متهم را به عنوان یکی از مصادیق معاونت مذکور در ماده «۴۳» قانون مجازات اسلامی به همراه دلایل توجه اتهام توضیح داده و به درک کامل وی برساند.

### **بند سوم: حق سکوت و اعلام آن**

حق سکوت متهم در پاسخگویی به پرسش های قضات و ضابطان دادگستری به هنگام بازجویی در نظام های دادرسی کیفری پذیرفته شده است. شق «ز» بند «۳» ماده «۹» میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی به حق سکوت متهم تصریح کرده است. در حقوق ایران با عنایت

به قسمت اخیر ماده «۱۲۹» قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد «... چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود» حق سکوت متهم در اثنای بازجویی به نحو تلویحی مورد قبول مقنن است و قضات تحقیق و ضابطین دادگستری مکلف به رعایت این حق هستند.

### بند چهارم: حق داشتن وکیل و اعلام آن

حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی و لزوم حضور و فعالیت قانونی وی در دفاع از حقوق موکل به ویژه در هنگام بازجویی تضمینی بسیار اساسی در جهت حفظ حقوق و آزادی های فردی و جلوگیری از اخلال به حق دفاع است. حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی موجب برقراری توازن و تحقق اصل تساوی سلاح ها در روند دادرسی کیفری است. زیرا حضور قضات مجرب تعقیب، شاکی خصوصی، وکیل یا وکلای او و ضابطان دادگستری در سازمان دادسرا که به انگیزه حمایت از حقوق جامعه و زیان دیده از جرم در امر جمع آوری دلایل به ضرر متهم اشتغال دارند، مستلزم وجود حقوقدانانی فعال و برجسته در کنار متهم به منظور دفاع از حقوق قانونی وی است. حضور وکیل مدافع متهم در تحقیقات موجب جلوگیری از نابسامانی در امر تحقیق به ضرر وی و قوت قلب او است. در حقوق اسلام ذیل عنوان وکیل در خصومت (الوکیل بالخصومه) حق داشتن وکیل در کلیه دعاوی کیفری و یا مدنی به نحو اطلاق از بدو تا ختم دادرسی برای متهم و یا مدعی علیه جایز اعلام شده است. انتظار می‌رفت که مقنن در تصویب قانون دادرسی کیفری مصوب سال ۷۸ تحولات تقنینی دادرسی کیفری در راستای حمایت از حق دفاع و به ویژه حق انتخاب وکیل را مورد توجه قرار داده و علاوه بر پیش بینی حق مزبور به طوری که در تبصره یاد شده مطرح شد، صریحاً بازپرس را مکلف به اعلام حق مزبور به متهم نماید. اما متن تبصره عیناً به عنوان ماده «۱۲۸» قانون فوق الذکر پیش بینی شد و به این ماده تبصره ای اضافه شده که نه تنها موضوع تکلیف بازپرس به اعلام حق داشتن وکیل در تحقیقات را به بوته فراموشی گذاشته است، بلکه نفس حق داشتن وکیل را با لحاظ قیودی مبهم مخدوش کرده است. تبصره ماده «۱۲۸» می‌گوید: «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و





همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور و کیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود. بدین ترتیب قاضی می‌تواند با تفسیر سلیقه‌ای «جنبه محرمانه داشتن تحقیقات» که در هر اتهامی می‌تواند مطرح باشد و وجود فساد یا دامنه یا قلمرو آن تعریف نشده است از حضور و کیل در تحقیقات ممانعت به عمل آورد. با توجه به انتقادات موجهی که به این تبصره شد، مقنن در بند «۳» ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳/۵/۲ مقرر کرد: «محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌متهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم سازند.» با توجه به اینکه قانونگذار وفق مقرره مزبور در مقام بیان تعریف مجدد حق انتخاب و کیل از سوی متهمان بوده است و در عین حال قیود مذکور در تبصره ماده «۱۲۸» را مطرح نکرده و با عنایت به اصل قبح سخن لغو توسط مقنن و با توجه به لزوم تفسیر قانون کیفری به نفع متهم، می‌توان بر این عقیده بود که قیود مبهم ماده «۱۲۸» نسخ شده و حق انتخاب و کیل به طور مطلق برای متهم پیش‌بینی شده است. اما مشاهده می‌شود که مقنن دگر باره موضوع حق انتخاب و کیل توسط متهم را به فاصله حدود ۵ ماه بعد از مصوبه قانونی اخیرالذکر مورد توجه قرار داده و در بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۶/۷/۸۳ مقرر می‌دارد: «به منظور اجرای اصل سی و پنجم (۳۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز به منظور تامین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی هر یک از اصحاب دعوی حق انتخاب، معرفی و حضور و کیل در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام قضایی را به استثنای مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد و یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد می‌شود، دارند.»

### بخش دوم: بررسی و شناخت منع تأخیر از تفهیم اتهام

چنانچه دلایل کافی مبنی بر ارتکاب جرم و توجه اتهام به شخص یا اشخاص معینی در اختیار قاضی تحقیق باشد، باید بر حسب مورد به عنوان متهم جهت تحقیق احضار یا جلب شود. اما در رویه قضایی کشورها مشاهده می‌شود که بعضاً فرد مزبور را به عنوان شاهد یا مطلع احضار و یا جلب کرده و پس از اخذ سوگند اطلاعات لازم را از وی اخذ و مکتوب می‌نمایند و سپس در

همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می کنند. این روش خدعه آمیز از مصادیق بارز اخلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اتیان سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن در هنگام بازجویی برخوردار بوده است که با عنایت به عنوان شاهد یا مطلع از این حقوق محروم شده است. در حقوق فرانسه تأخیر از تفهیم اتهام به شیوه مزبور مردود و ممنوع اعلام شده است و این موضوع در بسیاری از کشورها موجب ابطال تحقیقات است. در حقوق ایران منع تأخیر از تفهیم اتهام با ترفندهایی که مورد اشاره قرار گرفت، منع نشده است و این مطلب می تواند زمینه اخلال در حقوق دفاعی متهمان را فراهم سازد.

### **بند اول : منع پرسش های القایی**

از جمله اموری که می تواند بر روحیه افراد تاثیر گذار باشد و در نظام های دادرسی کیفری ممنوع اعلام شده است، طرح سئوالات القایی است. پرسش های مطروحه باید رافع تاثیر غیرمنطقی بر عواطف و احساسات متهم باشد. اساساً طرح این گونه پرسش ها نه تنها بر روحیه افراد ضعیف النفس تاثیر گذار است و تحت تاثیر تلقین به جرم ناکرده اعتراف می نمایند، بلکه در مورد افراد عادی نیز مؤثر واقع می شود. بنابراین از طرح این گونه سئوالات به شدت در اثنای بازجویی باید اجتناب شود. در پرسش های القایی نوع سؤال به گونه ای است که افراد را به پذیرش اتهام تحریک و سوق می دهد. مثلاً طرح این سؤال از شخص متهم به ارتکاب سرقت اتومبیل که آیا اتومبیل ربوده شده توسط شما آبی یا قرمز بوده است، تلقینی است زیرا ناخودآگاه فرد را به پذیرش اتهام سرقت و تفکر در مورد یادآوری رنگ آن وادار می کند. سؤال صحیح این است که آیا اتهام سرقت اتومبیل مدل... را با توجه به دلایل... قبول دارید یا خیر؟ طبق ماده «۱۲۹» قانون آیین دادرسی کیفری در حقوق ایران طرح سئوالات القایی ممنوع شده اما ضمانت اجرایی در متن ماده مزبور برای رعایت آن پیش بینی نشده است. اما همان



طور که قبلاً اشاره شد در قانون آیین دادرسی کیفری سابق حداقل ضمانت اجرای انتظامی برای طرح اینگونه سئوالات مقرر شده بود.

### **بند دوم: اکراه و اجبار در این راستا**

اکراه و اجبار متهم در پاسخ به پرسش‌ها در حین بازجویی، از مصادیق بارز تجاوز به حقوق دفاعی متهمان است. اکراه و اجبار متهمان برای اخذ اقرار از طریق اعمال شکنجه‌های جسمی یا روحی صورت می‌گیرد. شکنجه متهمان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به شدت ممنوع شده است. مهم‌ترین کنوانسیون بین‌المللی در این زمینه، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر روش‌های موهن در اثنای تحقیقات و بازجویی مصوب ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد است. ماده «۱» کنوانسیون مزبور در تعریف شکنجه مقرر می‌دارد: «واژه شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عمدتاً درد یا رنج‌های جانکاه جسمی یا روحی به شخص وارد آورد، خاصه به قصد اینکه از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی گرفته شود یا به اتهام عملی که این شخص یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب جرم است، تنبیه گردد یا این شخص یا شخص ثالث مرعوب یا مجبور شود و یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد، منوط بر اینکه چنین درد و رنج‌هایی به دست کارگزار دولت یا هر شخص دیگر که در سمت رسمی مأمور دولت بوده است یا به ترغیب یا با رضای صریح یا ضمنی او تحصیل شده باشد. این واژه درد و رنج‌هایی را که منحصرأ از اجرای مجازات‌های قانونی حاصل می‌شود و ذاتی یا مسبب چنین مجازات‌هایی است دربرنمی‌گیرد.» اصل «۳۸» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام منع اعمال شکنجه متهم در اثنای بازجویی می‌گوید: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

### **بند سوم: منع کاربرد روش‌های علمی مخل حق دفاع**

بند «۱۰» ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد



و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش های خلاف آن متوسل شده اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.» همان طور که ملاحظه می شود، ماده مزبور استفاده از اصول و شیوه های علمی قانونی را به هنگام بازجویی مجاز شمرده است. اما مفهوم شیوه های علمی و مصادیق آنها توسط قانونگذار به منظور حقوق دفاعی متهمان مشخص نشده است. از آن جهت که ممکن است برخی تصور کنند همه شیوه های علمی به هنگام بازجویی از متهمان مجاز و قابل استفاده است، تبیین این نکته ضروری است که وفق اصول دادرسی منصفانه آن دسته از شیوه های علمی که به حقوق دفاع لطمه وارد می کند، در هنگام بازجویی از متهمان منع شده است.

### بخش سوم: حقوق متهم در دوره بازجویی

پیچیده ترین و حساس ترین مرحله دادرسی، مرحله میانی یعنی بازجویی یا تحقیق و بازپرسی است. اینجا نقطه ای است که روانشناسی و حقوق به شدت درهم می آمیزند. برخلاف مراحل دیگری که بیشتر بار حقوقی دارد، این مرحله عمدتاً بار روانی دارد. نمی توان بحث بازجویی و حقوق متهم را بدون پیوند عمیق با جنبه های روانی مورد بحث قرار داد بلکه اساساً فلسفه حقوق متهم در مرحله بازجویی، جنبه های روانشناختی دارد. متهمان در این مرحله دچار مشکلاتی نظیر استرس های روانی و بیم از عواقب پرونده، فراموشی، تلقین پذیری، تناقض گویی و... می شوند. صدها فیلم تلویزیونی و سینمایی در جهان ساخته شده که این مشکلات را به خوبی به تصویر کشیده اند و نشان می دهند که در موارد فراوانی یک متهم پس از محکومیت حبس به دلایلی تبرئه شده و اسناد و استشهادات بازجویی و محاکمه مخدوش شده اند. در مرحله بازجویی، نابرابری موقعیت روانی بازجو متهم و همچنین این نکته مهم که بازجو می داند چه می خواهد انجام دهد و چه می تواند انجام دهد و چه کلماتی از سوی متهم می تواند او را گرفتار یا آسوده کند اما متهم از این مزیت ها محروم است، شرایطی را به وجود می آورد که او را به سختی آسیب پذیر سازد. به همین دلیل است که متهم نباید در برابر بازپرس تنها باشد، تنهایی موجب احساس ترس، نگرانی و ناامنی برای متهم و یا موجب تلقین پذیری یا اغفال او به خاطر بی اطلاعی از ترندهای حقوقی می شود.



متهم مانند فردی است که در یک فضای تاریک و خطرناک گام برمی دارد و همراهی فردی که این فضا را می شناسد و برایش تاریک و مجهول نیست از افتادن متهم به چاه و چاله یا صدمه دیدنش بر اثر برخورد با موانع جلوگیری می کند. ضرورت حضور وکیل به عنوان یکی از حقوق مهم متهم در کلیه مراحل دادرسی و از جمله بازجویی بر همین پایه است.

### **بند اول: حق وکیل**

اصل ۳۵ قانون اساسی می گوید: «در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». این اصل اطلاق دارد و نیاز به هیچ تفسیری برای بیان اینکه وکیل در کدام یک از مراحل باید حضور داشته باشد نیست. اما در تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری می گوید: در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود. یعنی دقیقاً حساس ترین نقطه که سرنوشت یک پرونده را رقم می زند. نتیجه این بازی از پیش مشخص است و متهم صرفاً بسته به توانمندی های شخصی خویش می تواند از مخمصه بگریزد. این مرحله آنقدر اهمیت دارد که اگر قرار بود حضور وکیل در جایی استثنا شود بهتر آن بود که وکیل اگر در تمام مراحل دیگر ممنوع از حضور می شود فقط در بازجویی حضور داشته باشد. چگونه می شود وکیل را در جایی که اصل پرونده منعقد می شود راه نداد. اینکه وکیل در همه مراحل حضور داشته باشد به جز بازجویی، مانند این است که وکیل اساساً حضور نداشته باشد.

### **بند دوم: حق انکار**

البته حساسیت این مرحله آنقدر زیاد است که قانون این حق را به متهم داده است که در مرحله محاکمه می تواند تمام اظهارات خود در بازجویی را منکر شود و بگوید تحت فشار روانی یا به خاطر ترس یا تهدید و یا اغفال بوده است و صرف اینکه متهم اقرار خود را انکار کند دیگر ارزش استنادی ندارد. ماده ۱۹۴ ق.ا.د.ک می گوید: «هر گاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچگونه شک و شبهه ای نباشد و قراین و امارات نیز



مؤید این معنی باشند، دادگاه مبادرت به صدور رای می نماید و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعین و متهم کرده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می نماید.» به همین دلیل از نظر قانونی اظهارات متهم در محضر قاضی معتبر است و اظهارات او در مرحله بازجویی برای روشن ساختن پرونده و کمک قاضی است. تجارب فراوان بشری طی قرن ها نشان داده که حساسیت دوره بازجویی چنان زیاد است که حق انکار اقرار را می توان در محاکمه برای متهم محفوظ داشت و قضات معمولاً به آن اعتنا می کنند زیرا فقط مدارک و بینه هستند که برای قاضی معتبرند. بنابراین حضور وکیل در مرحله بازجویی می تواند سبب اعتباربخشی مرحله بازجویی و اظهارات متهم باشد.

### **بند سوم: حق سکوت (امتناع از پاسخ)**

متهم باید بداند که می تواند به سئوالات پاسخ نگوید و سکوت او نمی تواند عواقب کیفری داشته باشد. این حق خصوصاً در شرایط فقدان وکیل که متهم نا آشنا با قوانین ممکن است اغفال شود یا دچار توهم و تناقض گویی گردد وسیله دفاع از متهم است. تنها حضور وکیل است که می تواند سخن گفتن را برای متهم موجه سازد. ماده ۱۲۹ آیین دادرسی کیفری ایران این حق را به رسمیت شناخته می گوید: «چنانچه متهم از پاسخ دادن امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید می شود.» اما از سویی دیگر اجازه تمدید بازداشت و اجازه جلوگیری از حضور وکیل به قاضی راه را برای بازداشت طولانی و فشار بر متهم برای عدول از حقوق خود هموار می کند لذا جلوگیری از بازداشت های طولانی و الزامی کردن حضور وکیل می تواند سایر حقوق قانونی را استیفا کند. اجازه تمدید بازداشت فقط در جرایم سنگین مانند قتل و جاسوسی (آن هم تا مدت محدود و معینی) میسر است مشروط به آنکه طبق ماده ۱۲۴ آیین دادرسی کیفری، دلایل کافی برای بازداشت، قبل از احضار متهم فراهم شده باشد نه اینکه در بازداشتگاه این دلایل تدارک شوند.

### **بند چهارم: ممنوعیت اغفال**

«مفهوم اغفال این است که پلیس در ضمن تحقیقات خویش نباید مظنون را فریب دهد و برای مثال به او بگوید اسنادی در اختیار دارد در حالی که واقعاً چنین اسنادی نداشته است.



اقراری که بدین شکل به دست آید قابل ترتیب اثر دادن نیست.... اغفال یا به تله انداختن، یک دفاع قانونی است که به موجب آن فرد مظنونی که به وسیله عوامل اجرای قانون به ارتکاب جرم مجبور شده است آزاد می شود. دیوان عالی آمریکا، دکترین اغفال را برای کنترل فعالیت های ناقض قانون و پیشگیرانه اقدامات پلیس که آزادی های مدنی را به خطر افکنده و از اصول بی طرفی و انصاف تخلف می کنند، اختراع کرد.» (قضاوت آمریکایی ۱۱۱ (یکی از روش های متداول در بازجویی ها، اغفال متهم یا بلوف زدن و فریب برای کسب اقرار است. در ماده ۱۲۹ ق.ا.د.ک. می گوید: «سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است» . در کتاب های فقهی آمده است: اقرار شخص فقط علیه خودش معتبر است، پس اقرار او علیه دیگران و همچنین به نفع خود یا دیگری معتبر نیست. در ماده ۱۲۷۸ قانون مدنی نیز که ملهم از قوانین اروپایی است مدلول حکم فقهی مذکور چنین آمده است: «اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد» .

### نتیجه گیری

به موجب اصول دادرسی منصفانه رعایت اصل سرعت در انجام تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری که ناظر به اقدامات تدارک پرونده در پیش از محاکمه با انگیزه حمایت از منافع جامعه و بزه دیدگان صورت می گیرد، نباید موجب غفلت از اصل برائت به عنوان میراث مشترک حقوقی کشورها و به تبع حقوق دفاعی متهمان به ویژه در امر بازجویی باشد. در بازجویی به عنوان مرکز ثقل تحقیقات مقدماتی، حسب اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر و در مطابقت با اصول و موازین دادرسی اسلامی، در راستای کشف حقیقت و حفظ حرمت و کرامت انسان ها و به منظور رفع اتهام روا یا ناروایی که به متهمان در فرآیند دادرسی نسبت داده می شود، حقوقی بنیادین موسوم به حقوق دفاعی پیش بینی شده است. حقوق مزبور مشمول دو مرحله قبل و اثنای بازجویی است. با وجود اینکه مصادیق حقوق دفاعی متنوع است، اما با محوریت حفظ حرمت و کرامت انسانی و تقید راستین به اصل برائت مقرر شده است. مصادیق این حقوق در پیش در آمد ورود به بازجویی، تذکر به مواظبت در اظهارات و یا

هشدار به متهم نسبت به آثار مترتب بر اظهارات او در موقع محاکمه، تفهیم صریح اتهام با ذکر دلایل آن به زبانی که برای متهم قابل درک است، حق سکوت و داشتن وکیل به هنگام بازجویی و اعلام آن به متهمان، منع تأخیر از تفهیم اتهام و تعیین تکلیف ایشان به منظور آزادی و یا صدور قرار تأمین مناسب به محض دستگیری و یا حضور نزد قاضی و یا هر مقام صالح دیگر در مدت زمانی معقول است. در اثنای بازجویی محوریت مصادیق حقوق دفاعی، رعایت حق آزادی مطلق متهمان، احترام به کرامت انسانی و منع تعرض به حریم خصوصی ایشان در بیان اظهارات پیرامون اتهام است. به این منظور هرگونه اذیت و آزار جسمی و روحی، طرح سئوالات القایی و غیر مفید و بی ارتباط به موضوع اتهام و اغفال متهمان ممنوع است. حقوق دفاعی فوق الذکر نه تنها باید به هنگام انجام بازجویی توسط قضات رعایت شود، بلکه ضابطان دادگستری و یا پلیس قضایی که حسب قانون و یا نیابت قضایی به بازجویی اشخاص در مدت تحت نظر می پردازند، باید در نظام حقوقی پیش بینی و یا در صورت محدودیت در برخی موارد با حفظ اصول دادرسی منصفانه، تعریف و مشخص شود. در نظام دادرسی کیفری ایران برخی از حقوق دفاعی مورد اشاره اساساً پیش بینی نشده و یا در وضعیتی مبهم و نارسا است. قطع نظر از عدم اعلام حق داشتن وکیل، حتی صرف حق داشتن و حضور او با اختیارات وسیعی که به قضات تحقیق با عناوین کشدار و نارسا و قابل تفسیر سلیقه ای در جلوگیری از ورود وکیل در موقع بازجویی متهم اعطا شده، در هاله ای از ابهام است. تذکر به مواظبت در اظهارات به صورت فرم چاپی در اختیار متهمان قرار گرفته است و قضات تحقیق و ضابطان دادگستری به صورت شفاهی و شفاف مبادرت به اعلام این حق و آثار بیان مطالب بازجویی نمی کنند. ضمانت اجرای بطلان تحقیقات ناشی از نقض حقوق دفاعی به جز در مواردی که اقرار متهمان ناشی از شکنجه های جسمی و یا روحی باشد، مقرر نشده است. تکلیف منع تأخیر در تفهیم اتهام که به شدت موجب اختلال در حق دفاع است، مشخص نیست. اعمال بازجویی از طریق روش های علمی و فناوری های نوین پیش بینی شده است، اما تعریف روش های مزبور و مصادیق آنها مشخص نیست. با وجود اینکه ضابطان دادگستری در مواردی به امر تحقیقات و بازجویی می پردازند.



## منابع و ماخذ

- ۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۴
- ۲- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸
- ۳- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، موسسه حقوقی شهر دانش، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۴
- ۴- -----، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، موسسه حقوقی شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۴
- ۵- رحمدل، منصور، آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴
- ۶- -----، حق سکوت، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۵۷ و ۵۶
- ۷- ساقیان، محمد مهدی، تقویت حقوق و آزادی‌های متهم، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، بهار ۱۳۹۳، شماره ۶
- ۸- طهماسبی، جواد، آیین دادرسی کیفری، تهران، میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۶
- ۹- فرح بخش، مجتبی، مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۵۷ و ۵۶
- ۱۰- محمدی، حمید، نقد و بررسی دستور نگه داری متهم تحت نظر در مقررات دادرسی ایران، نشریه تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۷،
- ۱۱- موذن زادگان، حسنعلی، تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی، پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، بهار ۱۳۸۹، شماره ۲۸

